

جبل الطارق،^(۱) خاری بر سر راه روابط اسپانیا و انگلیس

پیشینه تاریخی

در پی جنگ جانشینی پادشاهی اسپانیا، در روز ۴ اوت ۱۷۰۴ اتحاد بزرگ اتریش، انگلیس، هلند و پرتغال با گسیل سپاهی از نیروهای انگلیسی و هلندی، به شهر و قلعه و دژ جبل الطارق یورش بردند.

آغاز سده هجدهم میلادی در اسپانیا، با به قدرت رسیدن فیلیپ پنجم از سلسله بوربون‌ها^(۲) (طبق وصیت کارلوس دوم، پادشاه کشور) همزمان شد. ظهور خاندان سلطنتی بوربون در اسپانیا با مخالفت قدرتهای اروپایی - که درصدد جلوگیری از توسعه قدرت لویسی چهاردهم بودند - روبرو شد و این چالش به تشکیل آخرین اتحاد بزرگ علیه این پادشاه انجامید و جنگ جانشینی سلطنت در اسپانیا را پدید آورد که سرانجام انعقاد معاهدات اوترخت به آن پایان داد.^(۳)

جنگ جانشینی اسپانیا، در حقیقت یک جنگ اروپایی با ابعاد گسترده بود که ریشه در زورآزمایی و رقابت میان خاندان سلطنتی بوربون حاکم در فرانسه و هابسبورگ اتریش داشت و انگیزه اصلی آن را باید در نوع روابط قدرتهای اروپای آن زمان و موازنه قدرت میان آنها جستجو کرد.^(۴)

جلوس فیلیپ پنجم به تخت پادشاهی اسپانیا در واقع برای انگلیس - که طرفدار به سلطنت رسیدن نامزد خاندان هابسبورگ اتریش برای مقابله با توسعه قدرت و نفوذ لویسی چهاردهم بود - شکست به شمار می‌آمد. اما نظر به اینکه این امر خدشه‌ای به سیاست و اقتدار

بریتانیا در قاره اروپا وارد نمی‌ساخت، از اهمیت چندانی برخوردار نبود. از اینرو سلطنت وی را به رسمیت شناخت و در نتیجه فرانسه و انگلیس، بدون توجه به نظرات سایر متحدان، حیطه و قلمروی سیاست اروپا را برای چند دهه بعد در چارچوب سیاست «موازنه قدرت» در سایه تفوق دریایی بریتانیا ترسیم نمودند و سایر طرفهای جنگ چاره‌ای جز پذیرش موافقتنامه انگلیس و فرانسه نداشتند و اسپانیا بنا به تصمیم لویی چهاردهم بکلی از صحنه انعقاد توافقات کنار گذاشته شد و فرستاده دربار اسپانیا فقط برای انجام تشریفات مربوط به امضای معاهده صلح در اوترخت حضور یافت. برخی از بندهای معاهده مذکور - که لویی چهاردهم به خاطر نوه خود فیلیپ پنجم بر آنها صحه گذارد - نشان می‌دهد که تنها رسمیت بخشیدن به تاج و تخت نوه‌اش در اسپانیا برای او اهمیت داشته است. بدین‌سان معاهدات صلح اوترخت میان اسپانیا و هر یک از متحدان فقط به معنی لزوم رسمیت یافتن آن چیزی بود که قبلاً قدرت‌های بزرگ اروپایی در مورد آن توافق کرده بودند.^(۵)

در ۱۳ ژوئن ۱۷۱۳ اسپانیا، به موجب ماده دهم معاهده صلح و دوستی منعقد در شهر اوترخت هلند، حق حاکمیت بر جبل الطارق را به انگلیس - که آن را در حمایت از نامزد اتریشی تاج و تخت سلطنت اسپانیا اشغال کرده بود - واگذار نمود. بدین‌سان انگلیس در نتیجه این پیمان، اشغال دوفاکتوی جبل الطارق را به یک وضعیت موجه از نظر حقوقی تبدیل کرد. در قسمتی از ماده دهم پیمان اوترخت آمده است:

«پادشاه کاتولیک، از طرف خود و وارثان و جانشینانش به موجب این پیمان، مالکیت تام و تمام شهر و قلعه جبل الطارق، همراه با بندر و برج و بارو و استحکامات دفاعی متعلقه را به سلطنت بریتانیای کبیر واگذار می‌کند تا در سایه این مالکیت (برای همیشه و بدون استثناء و هیچ‌گونه مانعی) به طور مطلق حق برخورداری از آن را داشته باشد.

اما برای پرهیز از هرگونه سوءاستفاده و تقلب در ورود کالا، پادشاه کاتولیک خواستار آن است که این مالکیت بدون هیچ ادعای ارضی و بدون هیچ ارتباط زمینی با کشور مجاور (اسپانیا) به بریتانیای کبیر واگذار شود...»

در بخش دیگری از این ماده درباره احترام به مذهب رایج در جبل الطارق چنین آمده

است:

«...همچنین علیا حضرت ملکه بریتانیای کبیر متعهد می‌شود که ساکنان شهر جبل الطارق در انجام آیین کاتولیک رومی خود آزاد باشند...».

در پایان این ماده اشاره می‌کند:

«...چنانچه زمانی پادشاهی بریتانیای کبیر به هر دلیل لازم دید اقدام به واگذاری و فروش شهر جبل الطارق نماید و یا از مالکیت آن صرف‌نظر کند، به موجب این پیمان موافقت می‌شود که پادشاهی اسپانیا نسبت به دیگران از اولویت برخوردار خواهد بود...».

واگذاری جبل الطارق از سوی اسپانیا به انگلیس از نقطه‌نظر سیاسی به معنای چشم‌پوشی همیشگی از آن نبود و علاقمندی دولت اسپانیا به الحاق مجدد جبل الطارق به سرزمین خود موجب بروز اختلاف ارضی میان دو کشور شد.^(۶)

در سده هیجدهم، اسپانیا هم از راه مذاکرات سیاسی و هم در سایه اعمال قوه قهریه کوشید تا بار دیگر حاکمیت صخره را بدست آورد، اما در اوایل قرن نوزدهم ترس از توسعه‌طلبی ناپلئون در اروپا موجب شد تا در ۱۸۰۹ میان اسپانیا و انگلیس در نتیجه معاهده لندن اتحادی بوجود آید که صلح و دوستی را تا به امروز بین دو کشور به ارمغان آورده است.^(۷)

به هر تقدیر از هر زاویه‌ای که به قضیه جبل الطارق نگریسته شود، وجود اختلاف‌نظر میان انگلیس و اسپانیا بر سر حاکمیت این ناحیه امری آشکار بوده و طرفین سالها پیش در مذاکرات دوجانبه موضوع را مورد بحث قرار داده‌اند.

با ورود انگلیس به جامعه اروپا در ۱ ژانویه ۱۹۷۳، در واقع جبل الطارق به قلمروی اتحادیه اروپای کنونی ملحق شد و از سوی دیگر با مرگ ژنرال فرانکو و ظهور نخستین دولت مردم سالار در اسپانیا مذاکرات دوجانبه رنگ و چهره تازه‌ای به خود گرفت. اولین گام در چارچوب صدور اعلامیه لیسبون در ۱۹۸۰ - که نشان از حسن نیت طرفین برای رسیدن به راه‌حل مسالمت‌آمیز درباره حاکمیت جبل الطارق داشت - و گام بعدی با صدور اعلامیه بروکسل در ۱۹۸۴ برداشته شد. الحاق اسپانیا به جامعه اروپا بعد تازه‌ای به موضوع جبل الطارق بخشید و لزوم دستیابی به راه‌حلی برای این کشمکش درونی جامعه اروپا، آن هم پیرامون یک قضیه مستعمراتی را آشکار ساخت.^(۸)

تشدید اختلاف نظر و دعوت به از سرگیری مذاکرات

از حدود یک سال پیش (۲۰۰۱م) در پی اظهارات جوزپ پیکه،^(۹) وزیر امور خارجه اسپانیا در کمیسیون سیاست خارجی کنگره نمایندگان این کشور در واکنش به برخی از اقدامات دولت جبل الطارق برای تغییر وضعیت قانونی این شبه جزیره بسیار کوچک (با مساحت ۶ کیلومتر مربع) اما راهبردی اختلاف نظر موجود شدت یافت. وی گفت: «هر اقدامی برای تغییر وضعیت مستعمره جبل الطارق با بازنگری در قانون اساسی آن که درجه بیشتری از استقلال و وابستگی به انگلیس را به جبل الطارق ببخشد از سوی کشورش کاملاً دشمنانه تلقی خواهد شد و عواقب زیانباری برای روابط اسپانیا و انگلیس در پی خواهد داشت». او انگلیس را متهم کرد که بیش از هر چیز به پایگاه نظامی خود در جبل الطارق علاقمند است ولی به همین اندازه نسبت به روابطش با یک شریک اروپایی حساسیت نشان نمی دهد.

جوزپ پیکه گفت: «روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دو کشور در وضعیت خوبی است اما به دلیل کشمکش موجود بر سر جبل الطارق همواره مشکلاتی در این روند بوجود می آید و تنها راه حلی که برای اسپانیا باقی می ماند این است که موضع محکمی را در برابر آن اتخاذ نماید و نخستین گام این است که از منافع خود در نهادهای بین المللی دفاع کند».

اظهارات پیکه در کنگره اسپانیا و دعوت به از سرگیری دوباره مذاکرات دو کشور بر سرحاکمیت جبل الطارق - که از ۱۹۹۷ قطع شده بود - از حمایت تمامی گروههای پارلمانی در کنگره برخوردار شد.^(۱۰)

علل بروز مجدد تنش

۱. دولت محلی جبل الطارق برای اصلاح قانون اساسی طرحی را به پارلمان این مستعمره نشین ارائه داد که موجبات نگرانی دولت اسپانیا را فراهم ساخت. زیرا مادرید بر این باور بود که هدف از تغییر قانون اساسی، در نظر گرفتن اختیاراتی بیش از یک مستعمره برای جبل الطارق است و دولت انگلیس که حق تغییر در وضعیت جبل الطارق و اعطای خودمختاری و یا استقلال به آن را نداشته بدین سان به دنبال تغییر وضعیت استعماری و ایجاد شرایط جدیدی برای جبل الطارق است.

● جبل الطارق، خاری بر سر راه روابط اسپانیا و انگلیس

بر اساس پیمان صلح اوترخت - که فزاهایی از آن از نظر گذشت - انگلیس نمی تواند به جبل الطارق استقلال یا خودمختاری اعطا کند و یا آن را به خاک خود منضم نماید و هرگاه قصد ترک جبل الطارق را داشته باشد باید آن را به دولت اسپانیا بازگرداند.

۲. از سوی دیگر دو هفته پیش از اظهارات پیکه در کنگره اسپانیا و در آستانه اجلاس سران اتحادیه اروپا در استکهلم، کمیسیون اروپا طی نامه‌ای از مقامات هر دو کشور خواست هر چه سریعتر پیرامون شیوه استفاده از فضای جبل الطارق توسط ناوگان هوایی اروپا تصمیم گرفته و به مشکلات بوجود آمده در راه ایجاد قلمروی هوانوردی مشترک اروپایی، به دلیل اختلاف نظر پایان دهند.

شایان ذکر است که اسپانیا برای موافقت با برنامه فضای مشترک اروپایی، خواستار حق استفاده از فرودگاه جبل الطارق شده بود ولی مقامات جبل الطارق از ۱۹۸۸ این درخواست را نپذیرفته‌اند و این در حالی است که اسپانیا و انگلیس در ۱۹۸۷ با صدور بیانیه‌ای در مورد استفاده مشترک از این فرودگاه موافقت کرده بودند.

با توجه به احداث یک خاکریز طولانی در آبهای جبل الطارق - که برای احداث باند فرود هواپیماهای سنگین از سوی انگلیس صورت گرفت - اسپانیایی‌ها معتقدند این کشور با این اقدام از چارچوب پیمان اوترخت عدول نموده و با وجود صراحت این پیمان در مورد لزوم عدم تغییر در وضعیت منطقه، عملی مغایر آن انجام داده است. بر این اساس اسپانیا حق خود می داند که بتواند از فرودگاه مذکور استفاده نماید ولی مقامات منطقه احتمالاً به این دلیل که بهره‌برداری از این فرودگاه به معنای اعاده تدریجی حاکمیت جبل الطارق به اسپانیا خواهد بود، با آن مخالفت کردند.^(۱۱)

دیدگاه ساکنان جبل الطارق

پیتر کاروانا،^(۱۲) نخست وزیر جبل الطارق - که از طریق انتخابات عمومی به قدرت رسیده است - طی سالهای گذشته ابتکارات و طرحهای مختلفی را با هدف کسب هویت مستقل و یا خودمختاری بیشتر برای این شبه جزیره انجام داده که تمام آنها با واکنش اساسی انگلستان روبرو شده است. به عقیده او جبل الطارق می تواند بدون رسیدن به استقلال کامل، بدون الحاق به

انگلیس و بی آن که پیمان او ترخت نقض گشته و یا امتیازات مالیاتی و یا خودمختاری موجود خدشه دار شود، با اصلاح قانون اساسی، نظام فرمانداری و حاکمیت انگلیس را برچینند. در پی آن و در واکنش به موضع گیری تند اسپانیا، مقامات انگلیسی اظهار داشتند: «در حال حاضر کمیته ای از سوی شورای حکومتی جبل الطارق اصلاح قانون اساسی منطقه را بررسی کرده است. نتایج مطالعات و اصلاحات پیشنهادی این کمیته باید از سوی شورای حکومتی تصویب شود. دولت انگلیس باید این پیشنهادها را مدنظر قرار دهد اما مطمئناً تعهدات بین المللی خود از جمله پیمان او ترخت را نیز در نظر خواهد گرفت».

درباره احتمال استقلال جبل الطارق سخنگوی وزارت امور خارجه انگلیس در پاسخ به پرسش خبرنگاران گفت که نمی توان درباره احتمالات نظر قطعی داد. وی افزود: «در صورتی که جبل الطارق از مالکیت انگلیس خارج شود طبق معاهده او ترخت مستقیماً به اسپانیا بازگردانده خواهد شد».

از سرگیری گفتگوها

در جریان سفر وزیر امور خارجه اسپانیا به لندن در مرداد ۱۳۸۰ دو طرف علاقمندی خود را برای آغاز دور تازه گفتگو درباره جبل الطارق ابراز داشتند. بر اثر برخی دگرگونی ها و دست کشیدن از برخی مواضع پیشین - که از چهار سال پیش سد راه مذاکرات شده بود - زمینه و فضای جدیدی برای استمرار گفتگوها فراهم شد.

دور تازه گفتگوها بر پایه طرحی آغاز شد که براساس آن پس از پنجاه سال حاکمیت مشترک دو کشور، حاکمیت جبل الطارق به اسپانیا واگذار می شد. در پایان این مذاکرات بیانیه مشترکی منتشر شد که در آن آمده بود دو طرف در چارچوب بیانیه بروکسل با یکدیگر دیدار کرده اند. این بند نشان دهنده جان گرفتن دوباره مذاکرات متوقف شده موسوم به «فرایند بروکسل» بود که از ۱۹۸۴ آغاز و در ۱۹۹۷ با اعلام «طرح ماتوتس»، وزیر امور خارجه وقت اسپانیا، به بن بست رسید و از آن پس اسپانیا هر گونه توافق در سطح اتحادیه اروپا را - که مستلزم حضور جبل الطارق در آن بود - و تو می کرد و لندن نیز چنگ و دندان به مادرید نشان می داد که نمونه آشکار آن توقف یکساله زیردریایی اتمی انگلیس موسوم به تایرلس در آبهای جبل الطارق به

بهانه خرابی بود.

نکته شایان توجه در جریان گفتگوهای تازه این بود که دوطرف توافق کردند که دولت جبل الطارق نیز به عنوان طرف سوم در مذاکرات آتی حضور داشته باشد و پیتر کاروانا، نخست‌وزیر جبل الطارق ضمن ابراز رضایت از روند مذاکرات، موافقت دولتش را برای پیوستن به گفتگوها اعلام کرد.^(۱۳)

در پایان نشست لندن، پیکه گفت: «بر آن شده‌ایم تا به آینده نگاه کنیم و طرحهای گذشته را به فراموشی بسپاریم. اسپانیا تمام پیشنهادهای گذشته و بویژه پیشنهاد ماتوتس را به عنوان زمینه‌های بحث و تبادل نظر مورد بررسی قرار داده است. اکنون تصمیم گرفته‌ایم این پیشنهادها را - که نشان از تفرقه و جدایی دارد - کنار بگذاریم و متعهد شویم که با ذهن باز نسبت به آینده گفتگو کنیم».^(۱۴)

اسپانیا در جریان این نشست همچنین پذیرفت خطوط تلفن جدیدی را در اختیار جبل الطارق بگذارد.

نکته قابل توجه در از سرگیری مذاکرات این است که اسپانیا بر عکس انگلیس علاقه‌ای به مسکوت گذاردن موضوع جبل الطارق برای دوره طولانی ندارد چرا که عملاً انگلیس به استعمار جبل الطارق ادامه خواهد داد. از اینرو مادرید با وجود کارشکنی‌های لندن، ناگزیر است هر از چندگاه با طرح پیشنهادی جدید روح تازه‌ای به روند مذاکرات ببخشد.

یک هفته پس از نشست لندن، جوزپ پیکه در مورد موضع دولت خویش درباره گفتگوها گفت: «مادرید قصد ندارد با واگذاری یک میلیون خط جدید به جبل الطارق زمینه رقابت ناجوانمردانه با شرکت‌های اسپانیایی را فراهم سازد. اما در عین حال بر این باور است که سی هزار خط تلفن موجود نیز ناکافی بوده و منطقه به خطوط جدید نیازمند است».^(۱۵)

پیکه همچنین خاطر نشان ساخت که نخست‌وزیر جبل الطارق می‌تواند به عنوان یکی از اعضای هیأت انگلیسی در مذاکرات شرکت کند و افزود: «من از دو هیأت (اسپانیایی و انگلیسی) حرف می‌زنم و موضع اسپانیا درباره جبل الطارق تغییرناپذیر است و بر اصل تمامیت ارضی اسپانیا استوار است که سازمان ملل متحد آن را تصویب نموده و این کشور حق تعیین سرنوشت برای جبل الطارق را به رسمیت نمی‌شناسد».^(۱۶)

در واقع این اظهارات تکرار مواضع قبلی دولت اسپانیا بود که اصولاً هیچ‌گونه اظهارنظر مستقل از سوی دولت جبل الطارق را پذیرا نیست. دولت جبل الطارق نیز در واکنش به سخنان وزیر امور خارجه اسپانیا با صدور بیانیه‌ای آمادگی خود را برای شرکت در گفتگوهای مربوط به حاکمیت جبل الطارق منوط به برخورداری از حق اعلام نظر ابراز داشت.^(۱۷)

با توجه به مواضع اسپانیا درباره از سرگیری مذاکرات چنین به نظر می‌رسد که اراده اسپانیا معطوف بر رفع مانع اصلی گفتگوها یعنی کنار گذاردن طرح ماتوتس بود و با عنایت به تغییر وزیر خارجه انگلیس از فرصت پیش آمده استفاده کرد و تنها باب تداوم گفتگو را گشود و با این حرکت در واقع مسؤولیت توقف مذاکرات از ۱۹۹۷ را متوجه سیاستهای رایین کوک نمود، زیرا در عمل اسپانیا با شروع دور تازه مذاکرات هیچ تعهد جدیدی را نپذیرفته بود و بر حسن نیت جک استراو،^(۱۸) وزیر خارجه جدید انگلیس به منزله پایه‌ای برای دستیابی به تفاهم تکیه کرد.

چند ماه بعد خوسه ماریا آسنار، نخست‌وزیر اسپانیا طی دیداری که در ۱۸ آبان ۱۳۸۰ با همتای انگلیسی خود داشت، با اشاره به فرایند بروکسل، بر دو موضوع «همکاری و حاکمیت» تأکید نمود و اظهار داشت: «اسپانیا علاقمند است که نخست‌وزیر جبل الطارق به عنوان عضو هیأت انگلیسی در این مذاکرات شرکت نماید» و تصریح کرد که مذاکرات دو طرف حتی در صورت عدم حضور نماینده جبل الطارق در چارچوب هیأت انگلیسی ادامه خواهد یافت.^(۱۹)

گفتگوهای مثبت و سازنده و مواضع مشترک

در پی دیدار وزرای خارجه اسپانیا و انگلیس در ۲۰ نوامبر ۲۰۰۱ در بارسلون، اداره اطلاعات دیپلماتیک وزارت خارجه اسپانیا بیانیه مشترکی را با عنوان «نشست وزراء پیرامون جبل الطارق و فرایند بروکسل» منتشر کرد. در این بیانیه ضمن تأکید بر اراده دو طرف مبنی بر ادامه مذاکرات پیرامون جبل الطارق در جوی از اعتماد و همکاری متقابل، از پیشرفت امور در این زمینه ابراز رضایت شده و بر حرکت در راستای مفاد بیانیه بروکسل (نوامبر ۱۹۸۴) برای دستیابی به یک توافق کلی در تابستان ۲۰۰۲ - که شامل تمام موضوعات مهم، از جمله «همکاری و حاکمیت» خواهد بود - تأکید کردند.

● جبل الطارق، خاری بر سر راه روابط اسپانیا و انگلیس

در بخش دیگری از بیانیه می‌خوانیم: «هدف مشترکمان اعطای خودمختاری بیشتر به جبل الطارق و امکان برخورداری کامل از فرصت پدیدآمده ناشی از همزیستی در منطقه است تا آینده‌ای مطمئن، پایدار و موفق برای منطقه موردنظر در چارچوب تعلق هر دو کشور به ناتو و اتحادیه اروپا فراهم سازیم».

بیانیه می‌افزاید: «دولت انگلیس مراتب خرسندی خویش را از واگذاری صد هزار خط تلفن به جبل الطارق از سوی دولت اسپانیا و نیز ابتکار اسپانیا برای بهبود پوشش بهداشتی اهالی این منطقه اعلام داشته و موافقت دو طرف را برای مذاکرات دوجانبه درباره حقوق بازنشستگی شهروندان جبل الطارقی اعلام می‌نمایم...».

در پایان بیانیه اظهار شده است: «دولت جبل الطارق می‌تواند به مذاکراتمان بسیار کمک کند. صدای جبل الطارق باید شنیده شود و در این خصوص دعوت خود را از نخست‌وزیر جبل الطارق برای حضور در نشست ۲۶ ژوئیه (۲۰۰۲) در لندن تکرار می‌کنیم و امیدواریم در پی این بیانیه مشترک نشست دیگری در ۴ فوریه ۲۰۰۲ در لندن بین وزرای خارجه دو کشور تشکیل شود». در بیانیه مشترک منتشره، دو طرف ضمن ابراز امیدواری از گفتگوهای بیشتر بر دو موضوع «همکاری و حاکمیت» تأکید کرده و دعوت خویش را از نخست‌وزیر جبل الطارق برای شرکت در مذاکراتی با عنوان «دو پرچم و سه صدا» تکرار کردند.^(۲۰)

جک استراو در پایان این نشست گفت: «جبل الطارق موضوعی منحصر به فرد است، زیرا انگلیس آن مستعمره را بر اساس معاهده اوترخت بدست آورده و تاکنون حفظ نموده است و با عنایت به اینکه در این معاهده به صراحت اعلام شده که در صورت چشم‌پوشی انگلستان از جبل الطارق، اسپانیا از اولویت کامل برای اعاده آن برخوردار می‌باشد، لذا هیچ امکانی برای استقلال جبل الطارق وجود ندارد مگر اینکه دولت اسپانیا نیز از آن چشم‌پوشی نماید». وی افزود: «در حال حاضر مشکل می‌توان تصور کرد که اهالی جبل الطارق جواب صریحی به تغییر اساسنامه و وضعیت خود بدهند».^(۲۱) رسانه‌های گروهی اسپانیا در این زمینه خاطر نشان کردند: ظاهراً لندن تمایلی چندانی برای مجبور ساختن ساکنان این منطقه نداشته و در واقع در پی متقاعد کردن جبل الطارقی‌ها است.

در عین حال وزیر خارجه اسپانیا گفت: «ما بر آنیم تا در چارچوب بیانیه بروکسل به توافق

برسیم و در این ارتباط وفاداری دولت انگلستان به تعهد آن کشور در مورد همه‌پرسی از شهروندان جبل الطارق برای هر اقدامی در خصوص آن ناحیه را محترم می‌شماریم، اما بر این باوریم که این همه‌پرسی به هیچ وجه نمی‌تواند حقی را برای استقلال ناحیه مورد بحث ایجاد کند.»^(۲۲)

در این میان ساکنان جبل الطارق - که از توافق اسپانیا و انگلیس درباره آینده این سرزمین ناخرسند هستند - با تجمع در برابر حصار که بین اسپانیا و جبل الطارق کشیده شده است، مراتب اعتراض خود را با حمل پلاکاردهایی مانند «جبل الطارق فروخته نمی‌شود»، اعلام کردند. جک استراو در همان روز برپایی تظاهرات (۲ تا ۵ هزار نفری) در مقاله‌ای در یکی از روزنامه‌های انگلیسی زبان جبل الطارق ضمن درخواست از اهالی جبل الطارق برای پذیرش مذاکرات اسپانیا و انگلستان تأکید نمود که این موضوع بسیار غامض است ولی چاره‌ای دیگر وجود ندارد. وی افزود که مردم جبل الطارق ملیت انگلیسی خود را همچنان حفظ خواهند نمود.^(۲۳)

در پی دیدار سوم اردیبهشت ۱۳۸۱ پیکه و استراو در والنسیا و به دنبال انتشار خبر توافق قریب‌الوقوع در مورد حاکمیت مشترک دو کشور و انجام یک همه‌پرسی در این زمینه، پتر کاروانا با ارسال پیامی به نمایندگان پارلمان انگلیس تأکید کرد که توافق نهایی مذکور موجب تأیید درخواست‌های غیر دموکراتیک اسپانیا نسبت به حاکمیت این کشور بر جبل الطارق خواهد شد و در صورتی که انگلیس به تعهدات خود در قبال شهروندان جبل الطارقی در مورد برپایی همه‌پرسی عمل نکند، وی رأساً همه‌پرسی را انجام خواهد داد.^(۲۴)

براساس نوشته جراید اسپانیا دولت این کشور هم‌اکنون سرگرم بررسی چگونگی الحاق جبل الطارق به ساختار منطقه‌ای خود است و در نظر دارد این کار را از طریق بند ب ماده ۱۴۴ قانون اساسی اسپانیا انجام دهد. در این ماده تصریح شده است که کنگره نمایندگان به خاطر منافع ملی می‌تواند مجوز ایجاد یک سازمان خودمختار را برای مناطقی که در تشکیلات شهرستانی ادغام نشده‌اند، صادر نماید.

پس از دیدار نخست‌وزیران دو کشور در لندن در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۱، برخی از جراید نوشتند که فکر ژنرال فرانکو که می‌گفت: «جبل الطارق یک میوه رسیده است و بزودی به دست اسپانیا خواهد افتاد»، اشتباه بوده و هم‌اکنون پس از گذشت نیم‌قرن از آن زمان نیز هنگامی که

● جبل الطارق، خاری بر سر راه روابط اسپانیا و انگلیس

آسنار در این اندیشه است که امکان حصول توافقی با تونی بلر در این زمینه وجود دارد، در اشتباه محض به سر می‌برد. با این وجود وزیر امور خارجه اسپانیا ابراز اطمینان نمود که مذاکرات درباره جبل الطارق پیش از اوت ۲۰۰۲ به نتیجه می‌رسد و حاکمیت مشترک بر آن سرزمین به مراحل نهایی خواهد رسید. (۲۵)

کارشناسان بر این باورند که با وجود روند مثبت مذاکرات فشرده در چند ماه گذشته میان مادرید و لندن و تهیه پیش‌نویس مربوط به توافقات، هنوز سه مسأله مهم بر سر راه دستیابی به توافق نهایی خودنمایی می‌کند:

۱. همه‌پرسی: گرچه طرف با برگزاری همه‌پرسی در جبل الطارق موافق هستند، اما اعتقاد دارند برگزاری هر چه دیرتر آن آمادگی و تمایل پذیرش تصمیمات دو دولت را از سوی آنان بیشتر خواهد کرد.

البته اسپانیا قصد دارد در این همه‌پرسی، ساکنان جبل الطارق در مورد چگونگی عملکرد و روند «پیمان توافق» مورد پرسش قرار گیرند و اشاره‌ای به حاکمیت مشترک مورد توافق نشود، زیرا در غیر این صورت همین امر می‌تواند پیشینه مخاطره‌آمیزی برای ایالت خودمختار باسک و خواست مقامات ملی‌گرای آن منطقه برای برگزاری همه‌پرسی در مورد استقلال این ایالت آشوب‌زده شود.

۲. پایگاه نظامی انگلیس: لندن تمایل دارد پایگاه نظامی خود در جبل الطارق را - که حدود ۴۰٪ از مساحت این منطقه را در بر گرفته است - خارج از شمول این پیمان قرار دهد.

شایان ذکر است که بنابر ملاحظات امنیتی و با توجه به استقرار ایستگاه مخابراتی مهم نیروهای انگلیسی مستقر در جبل الطارق، مقامات اسپانیایی بویژه دست‌اندرکاران بخش‌های اطلاعاتی و امنیتی این کشور با این وضعیت مخالفند.

۳. حاکمیت نامعین: دولت انگلیس مایل است تا هنگامی که حاکمیت جبل الطارق به صورت کامل به اسپانیا اعاده نشده است، به موقت بودن توافق احتمالی مورد نظر اشاره‌ای نشود.

چنین به نظر می‌رسد که لندن بر این باور است که اعلام موقت بودن توافق مذکور باعث بروز مشکلاتی بر سر راه پذیرش این توافق از سوی اهالی جبل الطارق خواهد شد.

البته تحلیل‌گران سیاسی اظهار می‌کنند حل مسأله جبل الطارق علاوه بر موضوعیت

یافتن دوباره قضیه دو مستعمره اسپانیا در خاک مراکش یعنی سنوتا^(۲۶) و ملیا^(۲۷) فتح‌بابی به سوی طرح مسائل دیگر خواهد بود.

در همین راستا جوردی پوژول،^(۲۸) رئیس ایالت خودمختار کاتالونیا اعلام کرد که خواهان بازگشت این ایالت به وضعیتی است که در ۱۷۱۴ در ارتباط با حاکمیت مشترک دارا بود، زیرا وی معتقد است که حاکمیت مشترک باعث می‌شود تا کاتالونیا در تمامی امور از جمله سیاست خارجی و دفاع نقش داشته باشد.

شواهد نشان از این دارند که بزودی بنابر ابتکار وزارت امور خارجه اسپانیا کمیسیونی مرکب از قائم‌مقام‌ها و معاونان ثابت وزارتخانه‌ها طرح تأسیس «اداره امور جبل الطارق» را در حوزه سرپرستی اداره کل اروپا به ریاست مستقیم پیکه برای تصویب در هیأت دولت اسپانیا مطرح خواهد نمود. البته نخست‌وزیر جبل الطارق با تشکیل چنین اداره‌ای مخالفت کرده و نسبت به کارایی آن در حل مسأله جبل الطارق تردید دارد.

در پایان جالب است به فرازهایی از دیدگاه‌های یکی از شهروندان اسپانیایی پیرامون موضوع جبل الطارق و روند مذاکرات اسپانیا و انگلیس - که در قالب نامه‌ای تحت عنوان «ما را بمباران نکنید، بهایش را خواهم پرداخت» خطاب به نمایندگی‌های دیپلماتیک مقیم اسپانیا بیان کرده است - اشاره‌ای داشته باشیم:

● داستان از آنجا آغاز شد که کارلوس دوم پادشاه اسپانیا بدون اینکه جانشینی بر جای گذارد، به کام مرگ رفت و این امر به جنگ داخلی موسوم به «جنگ جانشینی» انجامید. در این جنگ بیشتر کشورهای اروپایی از جمله انگلیس به طرفداری از یکی از دو جناح درگیر، وارد جنگ شدند. در ۱۷۰۴ شهر جبل الطارق توسط قوای متحد انگلیس اشغال و ساکنان جبل الطارق از دیار خویش اخراج شدند.

اسپانیا و انگلیس با هم در جنگ نبودند، اما انگلیسی‌ها نشان دادند که در هنگام گرفتن امتیاز از هر فرصتی بسیار زیرکند.

● در سده هجدهم بیماری همه‌گیر «تب زرد» در جبل الطارق گسترش یافت. دولت انگلیس از همسایگان خود یعنی اسپانیایی‌ها درخواست کمک کرد. دولت اسپانیا به خاطر نوع دوستی اجازه اشغال موقت بخش بی‌طرف را صادر کرد. بخش بی‌طرف خارج از محدوده به عنوان

● جبل الطارق، خاری بر سر راه روابط اسپانیا و انگلیس

بیمارستانی مورد استفاده قرار گرفت اما اشغال شهر برای همیشه ادامه یافت و انگلیسی‌ها بار دیگر نشان دادند که چقدر زیرکند.

● در ۱۹۳۸ در آخرین جنگ داخلی اسپانیا، انگلیسی‌ها اقدام به اشغال بخش‌های دیگر کردند و فرودگاهی را در مناطق اشغالی جدید بنا نهادند و نشان دادند که خیلی خیلی زرنگند!

● در جریان مذاکرات الحاق اسپانیا به جامعه اقتصادی اروپا، انگلیسی‌ها نسبت به اسپانیا از موقعیت‌های برتری برخوردار شدند که همین امتیازات شرایطی را پدید آورد که جبل الطارق را به یک «بهشت پول قاچاق» تبدیل کرد. اکنون جبل الطارق به یمن کارهای غیرقانونی و سازمانهای جنایی صاحب میلیونها لیبره استرلینگ است. جبل الطارق امروزه به صورت غده سرطانی برای اقتصاد و جامعه اسپانیا در آمده است، اما انگلیس به برکت این وضعیت، پولهای کلان به جیب می‌زند و این هم شاهدهی دیگر بر زرنگی آنها!

● سال گذشته (۲۰۰۱)، جبل الطارق - که تنها حدود ۳۰ هزار نفر جمعیت دارد - از دولت اسپانیا یک میلیون خط جدید تلفن، تسهیلات ارتباطی برای ورود به اسپانیا و استفاده آزاد از امکانات درمانی اسپانیا را درخواست کرد، اما دولت اسپانیا با توجه به زیانهای فراوانی که واگذاری این همه خط تلفن جدید برای شرکت‌های اسپانیا در پی داشت و منجر به رقابت نابرابر یک مرکز تلفن بین‌المللی در این بهشت مالیاتی می‌شد، جواب منفی داد. مدتی بعد، زیردریایی اتمی برای یک سال در بندر جبل الطارق پهلو گرفت و دلیل تمدید توقف غیرعادی این زیردریایی بروز نقص فنی در رآکتور اتمی اعلام شد. بندر جبل الطارق به هیچ روی آماده پذیرش چنین امری نبود و بدین سان ۴ میلیون نفر در مناطق جنوبی اسپانیا در معرض خطر احتمال تشعشعات اتمی قرار گرفتند.

● بهانه انگلیس: این کشور هرگز به دنبال راه‌حلی برای حاکمیت جبل الطارق برخلاف خواست اهالی جبل الطارق نخواهد بود و همواره سخن از حقی - که از سوی سازمان ملل به رسمیت شناخته شده - به میان می‌آورد.

نامهای خانوادگی بوسانی، حسن، کاروانا اسپانیایی نیست بلکه اسامی اعقاب کارگران بندری است که به اسپانیا آورده شدند و در آن ادغام گشتند.

من از انگلیسی‌ها می‌پرسم که آیا اجازه برگزاری همه‌پرسی در گوشه‌ای از خاک انگلستان

را به ما می‌دهید؟ شاید برخی دوست داشته باشند از مزایایی که ساکنان جبل الطارق از آن بهره‌مند هستند، برخوردار باشند. اما این بازی مزورانه و ریاکارانه انگلیسی‌هاست. تفاوت میان هنگ‌کنگ و جبل الطارق در این است که چین مجهز به سلاح اتمی است و اسپانیا نه. بسیار خوب! انگلیس ۶۰ میلیون نفر جمعیت و سلاح اتمی دارد و اسپانیا با ۴۰ میلیون جمعیت چنین تسلیحاتی ندارد.

ما اسپانیایی‌ها آموخته‌ایم که انگلیسی‌ها هیچ تردیدی در استفاده از سلاح اتمی به خود راه نخواهند داد. همچنین یاد گرفته‌ایم که واژه‌هایی چون «افتخار» و «شرافت» معانی یکسانی در انگلیس و اسپانیا ندارند. آموخته‌ایم که ما اسپانیایی‌ها برای اینکه متحمل فاجعه اتمی دیگری نشویم، باید بهایش را پرداخت کنیم و خواهش می‌کنم دست از ریاکاری بردارند و ما را «دوست خود» خطاب نکنند. برای ما بهتر است که انگلیسی‌ها صادقانه و بی‌ریا به ما بگویند:

«سلام احمق‌ها، آقا زرنگه داره میاد باج بگیره، کیف و چمدان‌های باج و خراج را آماده کنید، کجاست؟!»

من به سهم خودم این را فهمیده‌ام و به همین خاطر کیف مندرسم را با مقداری سکه برای علیاحضرت ملکه انگلیس ارسال داشته‌ام.

از همه جهانیان می‌خواهم که از روی همدردی و همبستگی با این وضعیت تحقیرآمیز، کمک‌های نقدی و کیف‌های پول خود را برای دولت انگلیس و یا نمایندگان آن آماده کنند.

● نتیجه‌گیری نگران‌کننده و هشدار به همه ملت‌های جهان این است که اگر می‌خواهید آزاد باشید و زندگی ذلت‌باری نداشته باشید، باید به توسعه سلاح‌های اتمی خویش کمر همت ببندید، چرا که در دنیای امروز دولتهای اوباشی وجود دارند که سلاح هسته‌ای در اختیار دارند و کلام آخر اینکه «جبل الطارق نمود بارز سیاست مزورانه انگلیس است».

با احترام - آوریل ۲۰۰۲

خوزه لوئیس وی - جی

نتیجه‌گیری

۱. انگلیس به موجب معاهده اوترخت حق حاکمیت بر جبل الطارق را داراست.

● جبل الطارق، خاری بر سر راه روابط اسپانیا و انگلیس

۲. تصاحب حق حاکمیت ارضی انگلیس بر جبل الطارق را می‌توان به منزله واگذاری اجباری در نتیجه تصرف عدوانی پیش از انعقاد پیمان صلح ناشی از جنگ قلمداد کرد.

۳. به موجب ماده دهم معاهده اوترخت واگذاری حق حاکمیت بر جبل الطارق به انگلیس از سوی اسپانیا عبارت است از:

الف) محدوده صخره جبل الطارق

ب) اعاده حق حاکمیت به اسپانیا درخصوص سرزمین واگذار شده

ج) حق ممنوع‌سازی کامل ارتباط و تردد زمینی از منطقه جبل الطارق به مابقی خاک اسپانیا.

۴. آنچه که هم‌اکنون در تصرف انگلیس قرار دارد، در واقع بیش از آن چیزی است که اسپانیا براساس پیمان مذکور به این کشور واگذار کرده و این امر فاقد هرگونه مشروعیت است.

۵. براساس ماده دهم معاهده اوترخت دولت انگلیس از حق حاکمیت بر آبهای مجاور صخره برخوردار نیست.

۶. اعلام مستعمره بودن جبل الطارق از سوی سازمان ملل متحد در چارچوب برنامه‌های استعمارزدایی در دهه ۶۰ میلادی و مداخله این سازمان برای نظارت و کنترل بر نحوه خارج کردن این منطقه از سلطه استعماری انگلیس براساس منشور ملل متحد و قطعنامه‌های صادره امری بدیهی است.

۷. اعطای هویت سیاسی به جبل الطارق در چارچوب قانون اساسی بریتانیا در ۱۹۶۹ از یک سو موجب بروز تنش در روابط میان لندن و مادرید شده است و از سوی دیگر به یکی از نقاط عطف در فرآیند استعمارزدایی تبدیل گردید.

۸. فرآیند استعمارزدایی سازمان ملل متحد تأثیر فراوانی بر ماده دهم معاهده اوترخت داشته است. از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد:

الف) تغییر مفهوم سنتی رابطه استعماری به مثابه حق حاکمیت دولت استعمارگر

ب) نفی ادعای انگلیس مبنی بر اینکه اعاده حق حاکمیت جبل الطارق به اسپانیا منوط به تصمیم آزادانه ساکنان آن خواهد بود.

ج) انتقال اختلاف نظر دریایی پیرامون آبهای خلیج الخسیرا (الخضرا) به قلمروی فرایند استعمارزدایی زیر نظر سازمان ملل بر پایه قطعنامه سوم سند نهایی کنفرانس ملل متحد درباره

حقوق دریایی ۱۹۸۲.

۹. اصل حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی، اسپانیا و انگلیس را ملزم به گزینش راه‌حلی مسالمت‌آمیز برای پایان بخشیدن به اختلافات در مورد جبل الطارق کرده است.

۱۰. آغاز مذاکرات الحاق اسپانیا به اتحادیه اروپا از دهه ۷۰ میلادی و بویژه بیانیه‌های لیسبون (۱۹۸۰) و بروکسل (۱۹۸۴) زمینه مناسبی برای از سرگیری مذاکرات دوجانبه و تبادل نظر بین دو طرف را فراهم ساخت.

۱۱. به کارگیری معاهدات تأسیسی اتحادیه اروپا در مورد جبل الطارق به موجب وجود مقررات ویژه مربوط به مستعمرات در قلمروی خاک اروپا (ماده ۲۲۷۴) باعث شد تا انگلیس نسبت به حل موضوع مورد اختلاف با اسپانیا اقدام ورزد.

۱۲. مقررات حقوقی - اساسی جبل الطارق از یک سو و حالت ویژه اقتصادی - مالیاتی آن (یعنی اقتصاد وابسته به خارج که اساس آن عرضه خدمات و در نتیجه حجم واردات بسیار بالا می‌باشد) موجب ایجاد رژیم حقوقی ویژه در این منطقه شده است و از شمول منشور الحاق اتحادیه اروپا در خصوص سیاست کشاورزی مشترک، اخذ عوارض گمرکی و مالیات بر ارزش افزوده و انتخاب نماینده برای پارلمان اروپا مستثناء گشته است.

۱۳. عدم شمول جبل الطارق در مقررات پرداخت مالیات بر ارزش افزوده به علت مشکلاتی است که این ناحیه در رابطه با افزایش مالیات غیر مستقیم بر کالاهای تجاری - که منشاء اصلی تولید ثروت در این منطقه می‌باشد - بوجود می‌آورد.

۱۴. عدم مشمولیت جبل الطارق در مقررات و معاهدات اتحادیه اروپا باعث ایجاد مرکز مالی ساحلی شده است.

۱۵. الحاق اسپانیا به جامعه اروپا باعث شد تا حل اختلاف دو طرف جنبه اروپایی پیدا کند.

۱۶. ورود اسپانیا به جامعه اروپا اختیارات این کشور را برای ممنوع‌سازی تردد آزاد افراد و کالاهای بازرگانی - که پیمان او ترخت به او اعطا نموده بود - سلب نمود.

۱۷. هر از گاهی کشمکش اسپانیا و انگلیس بر سر حاکمیت جبل الطارق مشکلاتی را بر سر راه توسعه مجموعه مقررات اتحادیه بوجود آورده است. رسیدن به راه‌حل، تنها از طریق توافقات دوجانبه در مورد نحوه اجرای مقررات اتحادیه در خصوص جبل الطارق امکان‌پذیر است و

● جبل الطارق، خاری بر سر راه روابط اسپانیا و انگلیس

اتحادیه امیدوار بوده و هست تا توافقی بین دو طرف صورت پذیرد و لذا از مشارکت در حل موضوع خودداری کرده است.

● تا هنگامی که مسأله جبل الطارق بطور نهایی حل نشود همواره روابط اسپانیا و انگلیس دستخوش تنش خواهد بود.

● چون اهالی جبل الطارق از ادامه حاکمیت انگلیس بر آن (به خاطر مزایای اقتصادی و مالیاتی و ... خرسند هستند، چنانچه دولت انگلیس، طبق ماده ۱۰ معاهده اوترخت با چشم‌پوشی از حاکمیت جبل الطارق آن را به دولت اسپانیا واگذار کند، این امر به دلیل مخالفت شدید افکار عمومی در جبل الطارق می‌تواند به پیدایش گرایش‌های جدایی‌طلبانه بینجامد و جبهه‌ای تازه از استقلال‌طلبی در گوشه‌ای دیگر از خاک اسپانیا را بگشاید و از طرف دیگر دولت مراکش رانسبت به ادعای ارضی خود بر سئوتا و ملیا مصمم‌تر سازد. از اینرو اسپانیا و انگلیس به عنوان دو شریک در اتحادیه اروپا و ناتو اساس گفتگوهای خود را بر حاکمیت مشترک (حاکمیت ارضی اسپانیا و حاکمیت سیاسی و اداری انگلیس) برای مدت زمان معین متمرکز ساخته‌اند که دیر یا زود در همین چارچوب به توافق خواهند رسید. (۲۹)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Gibraltar

2. Borbones

3. Izquierdo Sans, *Cristina Gibraltar en la union Europea*, Madrid UAM ediciones 1996, p.24.

4. Ibid., pp.24-5.

۵. ویل دورانت در کتاب *تاریخ تمدن*، ج ۸، کتاب پنجم: عصر لویی چهاردهم، ص ۷۸-۷۹ چنین می‌نویسد:

دولت انگلستان در این زمان شناسایی پادشاهی فیلیپ پنجم را بر اسپانیا و مستعمرات آن کشور در آمریکا تحت

شرایطی مناسب پذیرفت. این شرایط عبارت بودند از:

- تأمین در مقابل اتحاد فرانسه و اسپانیا تحت سلطنت واحد

- وجود دژهای سدکننده برای حفاظت ایالات متحده و آلمان در برابر هجوم آتی و احتمالی فرانسه

- برگشت متصرفات فرانسه

- شناسایی موروثی پروتستان‌ها در انگلستان و اخراج جیمز سوم از فرانسه

- خلع سلاح و بی‌دفاع ساختن دنکرک

- تأیید و پذیرش استقرار حکومت انگلستان بر جبل الطارق، نیوزلند و خلیج هودسن و انتقال حق انحصاری برده

فروشی فرانسه در آمریکای اسپانیا به انگلیس

لویی چهاردهم آن را با اندک تغییر پذیرفت. دولت انگلیس به لاهه اطلاع داد که تحت این شرایط با فرانسه صلح

کرده است. هلند با آن شرایط موافقت کرد و در نتیجه زمینه برای تشکیل کنگره اوترخت فراهم شد.

6. Izquierdo Sans, op.cit., pp.25-6.

7. Julio Trujillo, *Gibraltar: Se busca imraginacion*, Politica Exterior, 1998, vol.xii, Num. 64, pp.

145-6.

۸. گزارش ۸۱/۱/۹ موجود در نمایندگی ج.ا.ا. مادرید، «دور جدیدی از اختلاف‌نظر اسپانیا و انگلیس پیرامون

جبل الطارق».

9. Josep Pique

۱۰. گزارش ۸۱/۱/۹

12. Peter Caruana

13. *Informe Semanal de la Política Exterior: Submarinos en Gibraltar*, N.242,6/11/2000,p.3.

14. *El mundo*, 5/8/2001, p.5.

15. *ABC*, 13/8/2001, p.3.

دولت جبل الطارق از چند سال پیش از آن یک میلیون خط تلفن درخواست کرده بود، اما اسپانیا از این موضوع برآشفته شده و درخواست این تعداد خط تلفن را برای این شبه جزیره کوچک غیرمنطقی دانسته و نشان‌دهنده عملکرد مافیایی در منطقه خوانده بود.

16. *ABC*, op.cit.

17. *El pais*, 15/8/2001,p.4.

18. Jack Straw

19. *Ibid.*, 10/11/2001,p.4.

20. *Comunicado de la I.D.*, Madrid 20/11/2001,Num. 8954.

21. *El Mundo*, 16/2/2002,p.4.

22. *Ibid.*

23. *Independent*, 4/2/2002,p.3. "Gibraltar`s people ought to accept this sensible deal".

24. *ABC*, 25/3/2002, p.2.

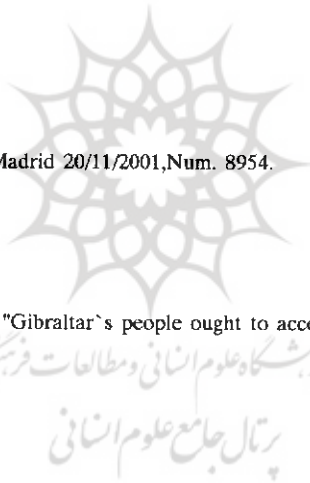
25. *El Mundo*, /5/2002, p.2.

26. Ceuta

27. Melilla

28. Jordi Pojol

29. <http://www.gibraltar.gov.gi/about.Gib/statistics-index.htm>.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی